



۰۳ جون 2015



داکتر محمد نعیم اسد

نظام ظرفیت سازی موسسات تحصیلات عالی

The System of Capacity Building in Higher Education

فشرده

در این مقاله ظرفیت سازی (که از طرف وزارت تحصیلات بنام «تضمین ظرفیتی» تعریف می شود) صرف در مورد موسسات تحصیلات عالی مطرح بحث قرار می گیرد. ظرفیت سازی عبارت از توسعه دانش، توانائی تعهد و مکلفیت، ساختاری، سیستم و کیفیت رهبری برای ارتقای تحقیقات علمی و تحصیلی می باشد. ارتقای ظرفیت سازی تمام اقدامات لازمه را در سه مرحله در بر می گیرد: توسعه و ارتقای بیشتر دانش و توانائی در فعالیت های تحقیقی و تحصیلی، توسعه و تمديد حمایتی زیربنائی در سازماندهی تحصیلات عالی و توسعه و ارتقای همبستگی و همکاری مشترک برای تحصیلات عالی در جامعه.

موسسه تحصیلی از نگاه سوسیولوژی یک سازمان (organization) اجتماعی است که وظایف عمده آن ارتقا و تطبیق تحقیقات علمی و فعالیت های تدریسی می باشد¹. طبق تحقیقات جدیدی که در این اواخر به عمل آمده است، سازمان یا موسسه تحصیلی در عین حال دارای پدیده های اقتصادی هم می باشد². موسسات عالی نه تنها پوهنتون های دولتی، بلکه پوهنتون ها و موسسات عالی خصوصی را هم در بر می گیرد. بناءً در این جا از مفهوم ظرفیت سازی به مفهوم وسیعتر آن که از طرف موسسات بین المللی مانند بانک جهانی (World Bank) و برنامه توسعه ملل متحد (United Nations Development, UNDP) که برای یک جامعه رو بانکشاف تعریف شده است، نبوده بلکه منظور مفهوم خاص آن می باشد که برای موسسات تحصیلات عالی صدق می کند.

با در نظر داشت اینکه یک موسسه تحصیلی یک سازمان اجتماعی و اقتصادی می باشد، مفهوم ظرفیت سازی در موسسات تحصیلات عالی نظر به این که موسسات عالی دولتی و یا غیر دولتی است، به دودسته تقسیم می شود. زیرا از نگاه اقتصاد مایکرو اکونومی پوهنتون دولتی به حیث فعالیت گاه (Business Administration) یا بنگاه اقتصادی و پوهنتون و موسسات عالی خصوصی بحیث یک تصدی (Enterprise) اقتصادی تعریف می شود. فعالیت گاه یا بنگاه از نگاه تیوری اقتصاد عمومی فعالیت گاه یک پدیده ئی اقتصادی است که تابع یک سیستم اقتصادی خاص (مثلاً نظام های اقتصادی، سوسیالیستی، سرمایه گذاری اسلامی) نیست. در این سازمان اصل مفاد در نظر نبوده

¹ Barbara M. Kehm, Hochschulen als besondere und unvollständige Organisation? Neue Theorien nur“ Organisation Hochschule“ in :Hochschule als Organisation, Hrsg., Uwe Wilkesmann, Christian J Schmid, Sringen , Wiesbaden 2012 S. 18 aa

²² این تحقیقات در منبع بالائی به صورت مشروح و همه جانبه رعایت شده است که از توضیحات بیشتر آن در این جا صرف نظر می شود و باید در یک مقاله دیگر مطرح بحث وسیعتر قرار گیرد.

بلکه رفع احتیاج تحصیلات عالی یک جامعه و افزایش مفیدیت آن در اساس قرار می گیرد و هدف آن کسب مفاد نیست.

اما اصل اقتصادی « فراهم آوری امکانات بیشتر تحصیلی با مصارف داده شده» در آن کاملاً رعایت می گردد. کلمه تصدی که برای سازمان های تحصیلی خصوصی مورد استفاده قرار می گیرد، یک پدیده ئی نظام های اقتصادی بازار آزاد و اسلامی می باشد. زیرا تصدی بیشتر گرایش به کسب مفاد و اعظمی ساختن آن است. فعالیت گاه یک محل تولیدی است که در آن عوامل تولید، محصولات مادی یا خدمات غرض فروش تولید یا آماده می شود.

پس نظر به این توضیحات تصدی در عین حال یک فعالیتگاه یا بُنگاه است، اما فعالیت گاه تصدی نیست. فرقه های اساسی دیگر بین فعالیت گاه و تصدی این است که در فعالیت گاه به استثنای قوای کار، سایر عوامل تولید به ملکیت دولت تعلق می گیرد و دولت به حیث مالک درانتصاب و عزل ارگان موسسات تحصیلات تصمیم می گیرد، در حالی که در نظام هائی اقتصاد بازار و اسلامی ملکیت عوامل تولید به مالکین سرمایه تعلق می گیرد و تصمیم گیری در تصدی به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم توسط همین افراد به عمل می آید.

الف - تعریف ظرفیت سازی

طوریکه اشاره شد، ظرفیت سازی موسسات تحصیلات عالی یک قسمت از ظرفیت سازی جامعه بوده و عبارت است از « یک روش ادراکی برای توسعه است که برای شناسائی موانع به کار می رود، موانعی که باعث می شوند مردم، دولت ها، سازمانهای بین المللی و غیر دولتی نتوانند اهداف خود را شناسائی کنند³ » و اجازه دستیابی به نتایج قابل اندازه گیری و پایداری را به آنها بدهد.

به ارتباط ظرفیت موسسات تحصیلات سعی به عمل می آید تا نخست عوامل تولید و اجزائی آن تجزیه و هرکدام آن پی گیری شده مورد مطالعه قرار گیرد، نتایج آنها تثبیت و موانع آنها شناسی شود. پس لازم است این طرز العمل در موسسات تحصیلات عالی به اساس دسته بندی که قبلاً صورت گرفت، تحقیق می گردد. قابل یاد آوری است که این تحقیق نتیجه تجارب چند ساله ئی است که نویسندگان در زمان استادی و دوره ئی ریاست پوهنتون هرات کسب نموده است.

1 - موسسات تحصیلات عالی یا پوهنتون های دولتی

موسسه تحصیلی عالی یا پوهنتون دولتی اولاً یک سازمان اجتماعی و اقتصادی که تحت عنوان فعالیت گاه یا تشبث گاه یا بُنگاه دولتی تعریف می شود که در آن اثر ترکیب عوامل تولید، خدمات تحصیلی برای آموزش فراتر فارغ التحصیلان لیسه ها فراهم می گردد و نتیجه فرایند این فعالیت ها درجه لیسانس یا BA است که دانش آموز یا محصل در ختم تحصیل موفقانه کسب می کند. به مفهوم اقتصادی محصل در عین حال به حیث بهره مند (یا مستفیده شونده خدمات تحصیلی موسسات دولتی) تعریف می گردد⁴. نوعیت و کیفیت این عوامل تولید، خدمات تحصیلی یا تدریس، کیفیت فهم و دانش

³ Capacity Building: in, wikipedia.org//Capacity- building 2015

⁴ در اکثر یونیورسیتی های دولتی بین المللی محصلان یک اندازه فیس برای تدریس می پردازند. اما در افغانستان تحصیلات عالی در افغانستان مجانی بوده و محصل مجبور به پرداخت فیس نمی باشد. اما فیس آن از طرف اجتماع از طریق پرداخت مالیه جبران می شود. به هر دو صورت می توان محصلان به حیث مشتری خدمات تحصیلی تعریف کرد. این موضوع در تحقیقات اخیریکه توسط یک تعداد محققان موسسات تحصیلی به حیث یک سازمان Organization (سازمان اجتماعی دارای پدیده های اقتصادی) تعریف شده است. ر.ک به منبع نمبر

کسب شده ئی محصل در دوران تعلیم مکتب یا مدرسه به صورت مجموعی یک سلسله زنجیری را تشکیل میدهد و هر کدام در حصه خود بالای کیفیت و نوعیت معلوماتی کسب شده ئی محصل در دوران تحصیل، موثر می باشد. به عبارت دیگر حلقات این سلسله زنجیری باهمدیگر رابطه نزدیک داشته کاستی ها و ناکارائی هریک در مجموع بالای کیفیت و نوعیت درجه دانش تأثیر می اندازد که هر کدام آنرا جزوار از نظر می گزرانیم.

1-1 عوامل تولید در موسسات تحصیلات دولتی

از نگاه مفکوره اقتصاد فعالیت گاه یا تشبث گاه عوامل تولید به دوسته تقسیم می شوند که عبارتند اند از: عوامل اصلی (فعالیت کار، وسایل کار و مواد کار) و عوامل اشتقاقی که از عوامل اصلی اشتقاق می شوند. این وسایل بنام اداره یا رهبری یا مدیریت معروف اند که متشکل از رهبری، سازماندهی، پلانگذاری، مراقبت و معلومات و اطلاعات می باشد.⁵

1) عوامل اصلی تولید:

در این مقاله **فعالیت تدریسی** یک استاد در جمله **کار بشری** (یک از عاملین تولید) محسوب می شود این عامل برخلاف اکثر فعالیت گاهای اقتصادی، کاملاً اجرائیوی و فزیکتی نبوده بلکه عقلی، نظری و تجربی یا تحقیقی (خاصاً در فاکولته علوم طبیعی) می باشد و کارمند یا استاد باید دارای دانش، فهم و معلومات نظری و عملی کافی باشد. چنانچه نظر به قانون وزارت تحصیلات عالی استادان موسسات تحصیلات عالی (جدید که تا حال متأسفانه تدوین نشده است) الی درجه پوهنملی بحیث معاون استاد شناخته شده و حایز صلاحیت تدریس در موسسه تحصیلات عالی نمی باشند. پس از نگاه نظری یک استاد پوهنخی یا دانشکده صلاحیت استادی را زمانی کسب می کند که دارای یکی از درجه های دکتوری یا پوهندوئی، پوهنوالی و پوهاندی باشد. اما متأسفانه در عمل در اکثر پوهنتون های افغانستان (پوهنخی های نو تأسیس) به سبب ازیاد روز افزون تعداد محصلان و کمبود استاد ذیصلاح، پوهنیار و پوهیالی وظیفه تدریس را انجام می دهند و متون تدریس آنها را نوت های مندرس درسی تشکیل میدهد که در سال های قبل از طرف استادان اسبق ذیصلاح تألیف و تدریس شده است.⁶ اسبستانت های (نامزد پوهیالی و پوهیالی) نووارد هم از همین لکچر نوت، حتی اکثر ابدون تغییر، استفاده کرده به محصلان دیکته می کنند. از این امر آن پوهنیار های مستثنی اند که دوره ماستری خویش را در خارج کسب کرده اند و به حیث استاد فعالیت دارند. اینها در تدریس خویش از آثار جدید استفاده می کنند. اما در این راستا هم مشکل کیفیت تدریس زمانی

⁵ به عقیده اکثر علمای اقتصاد ملی یا مکرو اکونومیک عوامل تولید عبارت از زمین، کار، سرمایه و دانش تخنیکتی یا Know Who می باشد.

⁶ هنگامی که در وسط سال 1993 در کابل بودم. دو موضوع باعث تعجب زیادم شد. یکی از علاقمندان از من اجازه خواست تا کتاب مشترک جناب داکتر محمد انور شبان و من «امکانات استفاده از نظریات و سیاست پولی و بانکداری در افغانستان» را که چاپ دوم آن در سال 1375 در پشاور به نشر رسیده و در بعضی پوهنخی های افغانستان به حیث کتاب درسی و یا مدد درسی مورد استفاده قرار می گیرد، به لسان ملی پشتو ترجمه کند. با وجود اصرارم که قسمت بانکداری آن تحت سه جلد در سال های 2011، 2012 و 2013 جدیداً به نشر رسیده است و باید آنرا ترجمه نماید؛ زیرا این کتاب در حدود 20 سال قابل تحریر شده است، از تصیم خود صرف نظر نکرد. بنابر گفته ئی وی به اساس این کتاب هنوز هم بعضی اسبستانت ها تدریس می کنند. موضوع دوم دلچسپتر و امیدوار کننده بود: یکی از استادان جوانی که در آلمان ماستری را به سر رسانیده است، اجازه خواست تا کتاب درسی مشترک جناب دکتور شبان و من تحت عنوان «اقتصاد بین المللی و ممالک روبه انکشاف» که در سال 1997 در پشاور به نشر رسیده بود، با آوردن بعضی تغییرات به چاپ مجدد آن اقدام نماید.

عرض اندام می کند که استادان جدید (پوهنیار ها) در موسسات تحصیلات عالی خصوصی غرض تقویه عاید از طرف صبح (بین ساعت شش و هشت صبح) و بعد از ظهر (بین ساعت چهاروشش عصر) عصر مصروف وظیفه تدریس را به عهده گرفته و وقت کافی برای رهنمائی، واریسی و مشوره در اوقات بعد از ظهر و تجدیر نظر نوت های خویش نداشته باشند. همچنین بعضی استادانی اند که غرض کسب محبوبیت نزد محصلان ناوقتتر به صنف آمده و قبل از وقت معینه تدریس را ترک کرده⁷ حوصله جواب و سوال محصلان را ندارند و حجم درسی و دیکته آن خیلی کوتاه می باشد. واضح است این کاستی ها بالای کیفیت تدریس بی تأثیر(منفی) نمی باشد.

موضوع مهمی دیگری که بالای کیفیت درسی استادان پوهنتون تأثیر وارد میکند، موضوع ترفیعات استادان پوهنتون های دولتی می باشد.

در قانون جدیدتحصیلات عالی موضوعات ترفیعات علمی استادان جدی تر مورد بحث قرار گرفته است. در این قانون استادان مکلف اند، در وقت معینه کار های علمی را که برای ترفیع الزامی می باشند، انجام دهند. هر گاه یک استاد در ظرف چهار سال قادر نشد مطابق مقررات قانون تحصیلات به ترفیع اقدام کند، از وظیفه استادی سبکدوش می شود. اما این قانون تا حال از ولسی جرگه عبور نکرده است. اما با آنهم می توان گفت که دلایل زیادی برای تعلل در ترفیع یک استاد وجود دارد:

- قواعد مقررہ ترفیعات و طور جدی تعقیب نمی شود.
- مصروفیت استاد در خارج از ساحه علمی پوهنتون، نبود رهنمائی آفاقی برای کاندید ترفیع ، ترجیح روابط برضوابط، نابلدی، کم دانشی و معلومات ناقص استاد راهنما در موضوعات کنفرانس و موضوع کار ترفیع و امثالهم.
- ترفیع در اثر تقلب (نقل از آثار دیگران و ترجمه آثار علمی از طرف دیگران اما بنام استاد کاندید ترفیع).

عوامل دوم و سوم تولید عبارت از **وسایل کار و مواد کار است**. در موسسات تحصیلات عالی یک تفکیک جدی بین دو عامل، طوریکه در سایر موسسات اقتصادی وجود دارد، مشکل می باشد. در حالی که تعمیرات و وسایل میدیا واضحا به وسایل کار محسوب می شوند، کتابخانه ها، لابراتوارها، وسایل و سایت کارهای عملی وساحات تحقیقاتی بین هر دو عامل مشترک اند. موجودیت وسایل کار و مواد کار به تنهایی کیفیت درسی را بلند نمی برد، بلکه شرط اساسی توانائی و آمادگی بکار بُرد وسایل یاد شده از طرف استادان و مستفید شدن آن از جانب محصلان می باشد. کفایت و اهلیت استاد تابع آموزش ، تحقیق و مطالعه ئی بیشتر درتوسعه و انکشاف وسایل و مواد درسی و داشتن وقت کافی می باشد. در اثر تجارب روزمره به ملاحظه رسیده است که بعضاً استاد مضمون نه تنها داری درایت و فهم استفاده از لابراتور عصری اند، بلکه وظیفه رهنمائی کار هائی لابراتواری به محصلان مطلوب ، مورد نظر و معتمد تقویض می گردد.

⁷ چشمدید شخصی

هم چنین نه تنها موجودیت کتب، مجله های اختصاصی و اخبار ها در کتاب خانه های مسکلی ضروری می باشد، بلکه باید تجهیز کتاب خانه با کتبی که جدیداً در عرصه های مسکلی به نشر رسیده اند، طور متواتر تجدید نظر شده و از طرف استادان و محصلان مورد استفاده قرار گیرند. باید ارتباط کتابخانه هائی موسسات عالی در داخل افغانستان و با خارج تحکیم گردند تا بدین طریق امکانات وسیع استفاده آثار علمی برای استادان و محصلان در سرتاسر کشور فراهم گردد. باید کتب درسی ستندرد بین المللی به لسان های ملی ترجمه شده و به حیث مدد درسی با اختیار استادان و محصلان قرار گیرند و از همه مهمتر باید پوهنخی های مربوطه مکلف گردند تا فرهنگ کتاب خوانی و استفاده انترنیتی برای استادان و محصلان تقویه و جبری شوند. باید تعداد کتب، مجلات و مقالات خوانده شده بالای نمرات امتحان محصلان و ترفیع استادان رعایت گردند.

کتاب خانه و تعمیرات پوهنتون های دولتی باید دارای تالار های مناسب غرض تدویر کنفرانس

های علمی باشند تا استادان و محصلان از کنفرانس های استادان، خاصاً از کنفرانسهای استادانی مستفید گردند که در چوکات ترفیعات علمی باید انجام دهند.

موضوعی دیگری که با ارتقای کیفیت تحصیلی ارتباط نزدیک دارد و در تغییر و تبدیل محصلان از یک به پوهنتون های دیگر (حتی در خارج) موثر می باشد، سیستم کریدت و به ارتباط آن داشتن نصاب درسی (Curriculum) معیاری می باشد. در حالی که در تمام پوهنتون های دولتی و خصوصی سیستم کریدت، از نگاه شکلی وجود دارد، در قسمت نصاب درسی معیاری در بعضی پوهنخی های دولتی اختلافاتی وجود دارد. هم چنین در پوهنتون های دولتی سیستم کریدت جبری است، اما تطبیق آن جدی نمی باشد. در جمله شرایط سیستم کریدت رهنمائی محصل و انتخاب دقیق کریدت مضامین آن میباشد که طبق آن باید تعداد کریدت معیاری و انتخاب مضامین اساسی و ضمنی در یک سمستر طبق لایحه سیستم کریدت می باشد. مزید بر آن استاد مضمون مربوطه مکلف است، برای محصل یا محصلینی که موفق به اخذ کریدت لازمه نشده اند، کورس های اضافی دایر نمایند. در عمل نسبت اینکه استاد وقت کافی ندارد، از این مقررات عدول می گردد که به این طریق هدف اساسی سیستم کریدت طوریکه اشاره شد، بر آورده شده نمی تواند.

به صورت خلاصه می توان گفت که تطبیق مقررات قانون تحصیلات عالی، لوائح کریدت، ترفیعات به صورت جدی لازمی باشند.

2) رهبری یا مدیریت پوهنتون دولتی

وظایف رهبری یا مدیریت یک فعالیت گاه و تصدی که از طرف عالم مشهور اقتصاد فعالیت گاه (تشبث گاه) آلمان (Gutenberg , Erich) بنام عامل اصلی تولید و قدرت اداره (Dispositive Factor) تعریف شده است، عبارت از تشکل یا ساختاری پروسه یا روند تولید و آماده سازی و عرضه محصولات و خدمات می باشد. روند رهبری یک موسسه عبارت از پلان گذاری (پلان گذاری اهداف)، تصمیم گیری، اجرا یا تطبیق و مراقبت یا کنترول دسته بندی می شود.⁸ این دسته بندی وظایف که از طرف گوتنبرگ بنام عوامل

مراجعه شود به (8)

اشتقاقی تولید هم یاد می شود، از نگاه تیوری هم در « تصدی» به مفهوم اقتصاد بازار و هم به «فعالیت گاه» به مفهوم اقتصاد غیر بازار وجود دارد. اما این دو مفهوم وقتی از هم تفکیک می شود که از نگاه نظام اقتصادی مورد مطالعه قرار گیرند. تصدی یک پدیده خاص سیستم اقتصاد بازار می باشد (از نگاه ملکیت ، تصمیم گیری و اهداف)، فعالیت گاه هم در نظام سرمایه داری و در نظام غیر سرمایه گذاری وجود دارد .

چون ملکیت موسسات تحصیلات عالی دولتی به دولت تعلق دارد، پس اتخاذ تصمیم هم توسط ارگان یا ارگان های دولتی به عمل می آید و هدف که عبارت از عرضه آموزش تحصیلات عالی به جوانان کشور عزیز بدون در نظر داشت افزایش مفاد می باشد، هم توسط ارگان دولت تعیین می شود. در موسسات تحصیلات عالی خصوصی که بعداً مورد مطالعه قرار می گیرد، هر سه پدیده ئی متذکره متعلق به سرمایه گذاران انفرادی (مالکین) می باشد. مالکین سرمایه یاشخصاً مدیریت موسسه عالی را به عهده می گیرند یا صلاحیت مدیریت را به اشخاص (هیأت اجرائیه و یا هیأت عامل) دیگر تفویض می کند (می کنند). مالکین در پهلوی منفعت عامه در صدد افزایش مفاد تصدی خود می باشند. پس بنابراین توضیحات، موسسه تحصیلات عالی دولتی به حیث یک فعالیت گاه و موسسه تحصیلات خصوصی بنام تصدی (که در عین حال به سبب این که محل ترکیب عوامل تولید هم می باشد، مساوی به فعالیت گاه قرار می گیرد) تعریف می شود.

بعد از این که مدیریت را به ارتباط ملکیت طور کوتاه مطالعه کردیم، اکنون از نگاه مرجع تصمیم گیری و تأثیرات آن بالای کیفیت ظرفیتی مورد بحث قرار می گیرد:

1) وزارت تحصیلات عالی به حیث ارگان اصلی

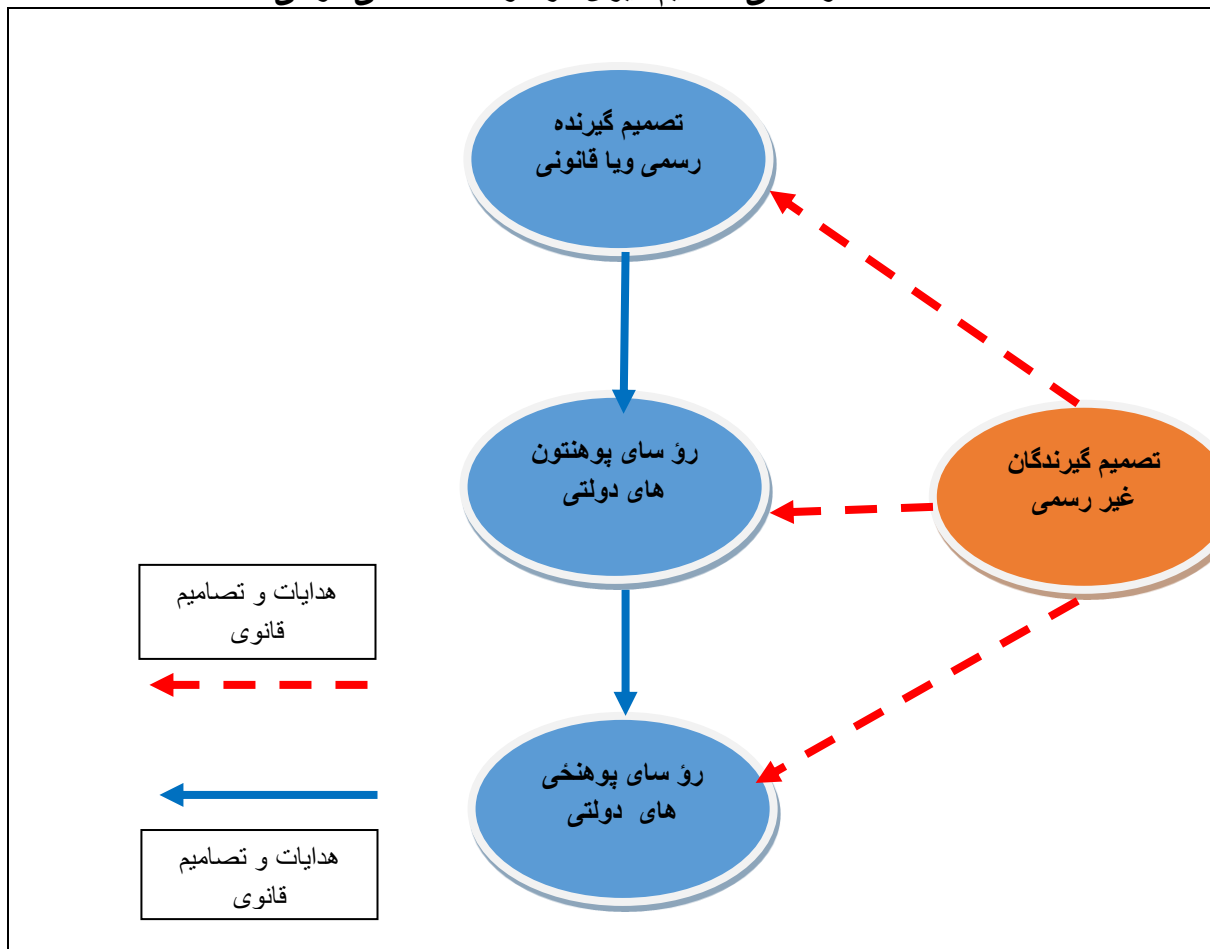
به اساس قانون تحصیلات عالی، وزارت تحصیلات یگانه مرجع قانونی است که صلاحیت عام و تام در تصامیم عمده مانند تأسیس موسسات عالی دولتی، تمویل سرمایه گذاری ها (تعمیرات، وسایل و مواد درسی)، انتخاب رؤسای پوهنتون ها و پوهنخی ها، تثبیت بودجه پوهنتون ها و به صورت غیر مستقیم بودجه پوهنخی ها و ترفیعات علمی و رتبوی استادان و کارمندان و بالاخره ارزیابی اسناد تحصیلی استادان و کارمندان پوهنتون ها و پوهنخی های دولتی، دارد. در سلسله مراتب سازمانی رؤسای پوهنتونها به درجه دوم سلسله مراتب مدیریت و رؤسای پوهنخی ها به درجه سوم قرار می گیرند. به عبارت دیگر رؤسای پوهنتونها در روند تصمیم گیری تابع وزیرومعینان مربوطه آن می باشد (تصمیم گیرنده قانونی). در پهلوی تصمیم گیری

Günter Wöhe und Ulrich Döring, Einführung in die Allgemein Betriebswirtschaftslehre, 25. Aufl., Verlag Vahlen, München 2013, S 46 ff.

د پانو شمیره: له 6 تر 15

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

دوگانگی تصمیم‌گیری در موسسات عالی دولتی



قانونی یا رسمی، گروه‌ها (زور مندان) یا مقاماتی وجود دارند (تصمیم‌گیرندگان غیر رسمی) که در تقرر رؤسای پوهنتون‌ها، معاونین و رؤسای پوهنځی‌ها و حتی تقرر مدیران شعبات مربوطه پوهنتون‌ها مداخله می‌نمایند.⁹ از نگاه سلسله مراتب سازمانی اصلی یا (organized) رسمی و جریان امور تدریسی و اداری، در تقرر رؤسای پوهنځی‌ها که باید به پیشنهاد رؤسای پوهنتون به عمل آید، عدول شده خواهشات و هدایات نمایندگان اولسی جرگه، مشرانو جرگه رؤسای جرگه‌نی ولایتی بدون در نظر داشت کفایت علمی و مسلکی رعایت می‌گردد. واضح است که این طرز العمل مقرری‌ها از نگاه اداری بالای تصمیم‌گیری رؤسای پوهنتون‌ها تأثیر منفی دارد؛ به این اساس رؤسای پوهنتون‌ها در تصمیم‌گیری علمی و اداری خویش همیشه در یک جدل اداری روبرو قرار می‌گیرند. همکاران زیر دست که در اثر تأکید و خواهشات پشتیبانان خویش به کار گماشته شده‌اند، به صورت آشکار و مخفی با اتکا از حامیان، تصامیم و هدایات رئیس پوهنتون را نادیده گرفته در انجام وظایف علمی و اداری کمتر توجه کرده غرض رسیدن به مقام ریاست دست به دسایس و تخریب کاری می‌زنند و یک خط ارتباطی غیررسمی (رابطه تلفونی) با حامیان قایم کرده معلومات غلط ارائه می‌کنند.

⁹ وابستگی به گروه سیاسی و قومی ویا داشتن روابط با مقامات اداری.

از تشریحات و شکل قبلی می توان چنین استنباط کرد که موازی با مرکز تصمیم گیری اصلی، مراجع و عواملی دیگری وجود دارد که بالای روند تصمیم گیری مقام اصلی تأثیر وارد می کند که منافی مقررات قانون تحصیلات، لوايح تر菲عات، کانکور، سیستم کردیدت، لیلیه و غیره قرار می گیرند و بالای کیفیت علمی دستگاه های علمی تأثیر منفی وارد می کنند.

گذشته از موضوعات مندرک در انجام وظایف مقام وزرات و سایر شعبات ذیصلاح وزارت تحصیلات با حضور غیر پلان شده و تثبیت وقت بعضی نمایندگان ولسی و مشرانو جرگه، سکتگی جبران ناپذیر در روند امور اداری مقامات مندرکه بوجود می آید.

رؤسای پوهنتون ها در مسایل مالی دارای صلاحیت محدود می باشد. زیرا بودجه عادی وانکشافی پوهنتون با یا بدون مشوره ئی پوهنتون ها از طرف ریاست های پلان و اداری وزارت تحصیلات تثبیت می شود. چون این تخصیص بودجه وزارت تحصیلات به صورت کل از طرف وزارت مالیه قابل تعدیل و تغییر می باشد، اکثرأ پوهنتون با انکشاف تعداد محصلان به مشکل تمویل تهیه لوازم ضروری تحصیلی قرار می گیرند و یا نسبت کم جرنتی قادر به مصارف انکشافی (طوریکه در قسمت تخصیص کمک مالی بانک جهانی بین سال های 2006 و 2009 در بعضی پوهنتون دیده شد).

متأسفانه پیشنهادات بعضی رؤسای پوهنتون در قسمت استقاده یا مصرف مستقیم از عواید ممکنه پوهنتون مربوطه، مثلاً در آمد حق الزحمه از اجرای خدمات مشورتی انجیزی، لابراتواری، طبی، اقتصای، حقوقی، اخذ فیس از کاندیدان ماستری، عواید کانترین ها، محصولات زراعتی و پارک موترمورد پذیرش وزارت مالیه قرار قرار نمی گیرد.

اگر چنین آزادی به پوهنتون ها در مصرف عواید مندرکه داده شود، حاوی مزیت های ذیل می باشد:

(1) عواید مندرکه باعث سرمایگذاری اضافی و جبرانی می شود. به این طریق پوهنتون های دولتی می توانند وسایل و لوازم درسی (از قبیل لابراتوار های فرسایش شده و کتابخانه فارم های تحقیقی زارعتی) استقاده کنند و از جانب دیگر در ترمیمات وسایل درسی و دارائی های پوهنتون تسریع عمل صورت گرفته و از بیروکراسی بی مورد جلوگیری می شود.

(1) زمینه پاداش اضافی برای استادان که در خارج پوهنتون غرض بهبود عاید خویش، فعالیت می کنند. با مصروفیت کامل استاد در پوهنخی مربوطه، زمینه کار تحقیقی، مشورتی، تحریر مقالات علمی و رهنمائی محصلان در قسمت تحریر کارهای علمی، لابراتواری، سیستم کردیدت فراهم شده از کارهای غیر علمی صرف نظر می شود.

(2) وسایل و مواد لازمی درسی برای تحقیقات استادان و محصلان فراهم می گردد.

در ممالکی که صنایع، زراعت و امور خدماتی انکشاف یافته است، این رشته های اقتصادی مبالغی هنگفتی را غرض تحقیقات به اختیار پوهنتون می گذارند، که باعث سرمایه گذاری تحقیقاتی در پوهنتون ها می شود. این منبع عایدتی در افغانستان اصلاً وجود ندارد.

به این ارتباط یک مثالی ارائه می شود که چطور نبود آزادی پوهنتون های دولتی به منظور استفاده از منابع ممکنه عایداتی اثر منفی بالای ارتقای سوبه دانش آموزان وارد می کند. از مدتی است که وزارت تحصیلات به موسسات تحصیلات عالی افغانستان (دولتی و خصوصی) اجازه داده است تا امکانات مافوق لیسانس را به درجه ماستری با رعایت لایحه ئی مربوطه وزارت تحصیلات عالی فراهم سازند که خوشبختانه بعضی پوهنخی های پوهنتون کابل و موسسات تحصیلی خصوصی از آن استفاده می کنند. اما طبق این برنامه پوهنخی های دولتی حق ندارند تا از عواید فیس ماستری برای سرمایگذاری های لازمه برنامه ماستری، برای تهیه و وسایل درسی، اعطای حق الزحمه (خارج از معاش استادی) به استادانیکه مسؤولیت تدریس مضامین ماستری، ایراد کنفرانس ها، کارهای عملی و رهنمائی کار ماستری را به عهده می گیرند، استفاده کنند. زیرا نظر به مقررات وزارت مالیه باید هر عایدی از که طرف یک واحد دولتی حاصل می شود، باید به حساب عایدات دولت حواله گردد. بنابر این ملحوظ پوهنخی های مربوطه باید کورس های ماستری را بعد از وقت رسمی (بعد از ساعت چهار و نیم) دوساعت درسی پنجاه دقیقه ئی در هفته پنج روز) دایر نمایند به استادان مدرس حق الزحمه ئی از بودجه دولت که از طرف وزارت تحصیلات عالی تعیین شده است، تأدیه می شود پس کیفیت درسی قربانی بیروکراسی می گردد.

یکی از شرایط وزارت تحصیلات عالی برای درجه ماستری موجودیت چهاراستادیکه دارای درجه داکتری باشند، در پوهنځی مربوطه الزامی است. اما این که استادان در رشته ماستری واقعاً کفایت دارند و آیا این مضامین واقعاً جزء رشته تخصصی آنها می باشد و بالاخره آیا خود استاد مدرس تحت شرایط ستندرد بین المللی موفق به اخذ درجه ماستری شده است و یانه؟ از طرف ریاست «تضمین ظرفیتی و شعبه مربوطه امور ماستری» وزارت تحصیلات عالی به دقت مورد بررسی قرار نمی گیرد. در صورتی که نکات متذکره بر آورده نشود، پس کیفیت علمی دروس مضامین ماستری، کنفرانس کار عملی و تحریرکار ماستری، به مقایسه ستندرد بین المللی تضمین نشده و یک «تورم مضمین ماستری» بی علاج، در افغانستان بوجود می آید.

در وزارت تحصیلات و پوهنتون های مربوطه ئی آن عملاً یک سیستم پلانگذاری و ستراتیژی صرف بروی کاغذ وجود دارد. اکثراً اقدامات وزارت مذکور عی العجاله یا عندالموقع و نظربه ضرورت (improvisation) اتخاذ می شود. معمولاً قبل از اخذ امتحان کانکور و بعد از آن وزارت تحصیلات عالی از پوهنتون های مربوطه طالب احصائیه در باره ظرفیت محصلان جدید می شود. پوهنتون ها بدون در نظر داشت واقعیت های ظرفیتی خویش و نظر به خشنودی وزارت، تعداد محصلان جدید را طور تخمینی نظر به تعداد پوهنځی های خویش ترتیب می میمایند. وزارت تحصیلات عالی نظر به تعداد محصلان موفق کانکور، سهمیه هر پوهنتون را نظر به اساس نمرات اخذ شده کانکور معرفی میدارد. در اثر هم آهنگی ناقصی که بین وزارت تعلیم و تربیه و وزارت تحصیلات عالی در حصه تعداد واقعی و یا قرین به واقعیت فارغ التحصیلان صنوف 12 وجود دارد، برای وزارت تحصیلات مشکلات جذب موفقین کانکور عرض اندام می کند. بنابراین وزارت تحصیلات عالی بدون در نظر داشت ضرورت پوهنتون ها به تقسیم محصلان جدید به پوهنتون های مربوطه تصمیم می گیرد که باعث مشکلات پوهنتون های مربوطه از نگاه ظرفیت صنوف درسی، استاد و وسایل درسی می شود. اکثر پوهنتون ها مجبوراند تا تدریس دو هفته را دایر نموده اسبستانت های جوان و جدید که فاقد تجارب درسی می باشند، به وظایف تدریس موظف کنند. تأسیس پوهنتون های جدید در تمام ولایات یک ضرورت میرم و معقول است؛ اما بدون پلان گذاری دقیق، باعث مشکلات زیاد از هر نگاه (داشتن استادان مجرب، تعمیرات، لیلیه و وسایل درسی) برای پوهنتون ها جدید التأسیس می شود.

ارتباط انترنیتی بین اکثر پوهنتون ها و وزارت تحصیلات عالی وجود دارد و پوهنتون ها می توانند معلومات لازمه را از طریق وسایل جدید اطلاعاتی حصول دارند. در این پیشرفت سهم پوهنځی کامپیترسیانس تعیین کننده میباشد.

2) تقاضاکنندگان خدمات تحصیلی دولتی

تقاضا کنندگان خدمات تحصیلی به صورت عموم فارغ التحصیلان مکاتب می باشند که واجد شرایط وزارت تحصیلات عالی اند. به نظر موسسات تحصیلی دولتی و خصوصی می توان تقاضا کنندگان را به بهره مندان و مشتریان خدمات تحصیلی دسته بندی کرد. در موسسات تحصیلی دولتی عرضه خدمات تحصیلی به فارغ التحصیلان واجد شرایط مجانی است و از محصلان بهره مند و مستفید شونده فیس یا اجرتی اخذ نمی شود. معمولاً به محصلان موسسات تحصیلی خصوصی که تابع پرداخت فیس می باشند، می توان از نگاه اقتصادی کلمه مشتری را اطلاق نمود.

طوریکه در ممالک پیشرفت معمول است، عموماً خواهش محصل در انتخاب یونیورسیتی، فاکولته و رشته تحصیلی در اساس قرار داشته و نفوذ فامیل بالای در این انتخاب دارای تأثیر بارز نمی باشد. بعضاً جوانانی که والدین شان دارای مشاغل طب، حقوق و انجینیری (مخصوصاً در صنایع موتر سازی) اند، شغل والدین را انتخاب و می نمایند و یا به توصیه والدین با نظر داشت استعداد رفتار می کنند. معمولاً در تصدی های خصوصی و فردی جوانان برای اخذ رهبری تصدی مربوطه آماده می شوند تا تصدی تحت تأثیر خانواده باقی بماند. اما در افغانستان طوریکه تجربه نشان میدهد اعضای پر نفوذ خانواده، صرف نظر از استعداد جوانان، در انتخاب رشته تأثیر زیاد زیاد داشته و جوانان مکلف اند مطابق به خواهشات والدین رشته تحصیلی را انتخاب نمایند. اکثراً فامیلی نمی خواهند ویا آرزو ندارند که جوانان شان، بعد از فراغت صنف نهم به مکاتب مسکلی غرض فرا گیری یک مسلک یا حرفه غرض فرا گیری حرفه های، نل دورانی، برقی، نجاری، معماری، رنگمالی و غیره شامل شوند، با وجودیکه در افغانستان به استادان ماهر رشته های متذکره

نیازمندی شدیدی وجود دارد، اکثر فامیل سعی می‌ورزند تا جوانان شان تعلیمات ثانوی را ادامه داده و به تعقیب آن برهر صورت شامل یکی از پوهنخی مطلوبه شوند. زیرا به به عقیده والدین حصول عاید زیاد، حیثیت و ارتقای اجتماعی جوانان تابع رشته ئی دلخواه آنان می‌باشد که جوان شان باید آنرا تعقیب نمایند. استعداد و یا خواهش شخصی محصلان ممکنه در اولیت قرار ندارد.

طوریکه اشاره شد، محصلان موسسات دولتی نه تنها از تحصیلات عالی مجاناً بهره مند می‌شوند، بلکه مزید بر آن محصلان موفقی که 35 کیلومتر دور تر از پوهنتون زندگی می‌کنند، مستحق لیلیه می‌شوند. اما نسبت نبود ظرفیت کافی و یانبود لیلیه ها به محصلان متذکره بدل اعاشه داده می‌شود. موضوع لیلیه یکی از موضوعات پرجنجال و پرمصرف وزارت تحصیلات عالی را نظر به دلایل اتی تشکیل میدهد:

(1) مصارف لیلیه تقریباً بیشتر از 50% مصارف عادی بودجه وزارت تحصیلات عالی را می‌سازد.

(2) اساساً اعطای لیلیه به محصلان موفق در نظر گرفته شده است؛ اما محصلان آنرا حق قانونی خویش دانسته آنرا جزء تحصیلات عالی تلقی می‌کنند و این طرز تلقی باعث درد سر مقامات پوهنتون مربوطه و مداخله بی جای زورمندان می‌شود. مزید برآن حتی محصلان ناکام امتحانات که قبلاً بنابر دلایلی شامل لیلیه شده اند، حاضر به ترک لیلیه نمی‌شوند. این حالت باعث می‌گردد تاچنین محصلان دست به بهانه هائی مختلف زده و با استفاده ازوسایل مختلفه زمینه کامیابی را فراهم نمایند و محصل مستحق را (موفق) از لیلیه محروم سازند.

(3) اعطای بدل اعاشه و اباته به محصلانی که نسبت کمبود ظرفیت لیلیه خارج از لیلیه بود و باشد دارند، بدل اعاشه و اباته ماهانه مبلغ 1.800 افغانی تأدیه می‌شود. این مبلغ به مراتب پائینتر از مصارف لیلیه (صرف نظرازمصارف فرصتی opportunity cost مانند مصرف کرایه بود وباش مئارف تنویردر حدود 50% و یابیشترمصارف لیلیه¹⁰) می‌باشد. این نوع دوگانگی باعث مشکلات زیادی (ازقبیل پیدا شدن جای مناسب و ارزان و موفق اجتماعی) برای چنین محصلان ایجاد می‌کند، بالای تمرکز فکری محصلان بی تأثیر نمی‌باشد.

(4) کشیدگی دایمی بین محصلان لیلیه. طوریکه در هرات به مشاهده رسید، محصلان یک ولایت که دریک اطاق به سر می‌برند، می‌کوشیدند تا به عوض هم اطاقی، صرف محصلی را در اطاق جای دهند که متعلق به همان ولایت باشد. در اثر این نوع سلوک، زندگی باهمی بین محصلان ولایات مختلفه از بین رفته واز جانبی باعث بروز کشیدگی و مخاصمت ها بین محصلان می‌شد.

¹⁰ در هنگام وظیفه به حیث رئیس پوهنتون هرات به دلیل اینکه از یک طرف پوهنتون هرات لیلیه مستقل برای طبقه ذکورداشت و از هتل هرات که اصلاً برای بودوباش 400 مهمان در نظر گرفته شده بود و به ملکیت وزارت هوانوردی تعلق داشت، بحیث لیلیه مورد استفاده قرار می‌گرفت و بیشتر از 1.500 محصل تحت شرایط ضیق؛ اما خوش برضا و حتی با استفاده از وسایل غیر قانونی بودو باش داشتند. از جانب دیگر یک عده محصلان مستحق لیلیه که از بدل اعاشه و اباته استفاده میکردند، مجبور بودند در کاروان سرای ها تحت شرایط ناگوار به سر برند. گرچه بعضی محصلان کوشش می‌کردند تا چند نفر (بیشتر ازه نفر) باهم در خانه هائی کرائی که درای اطاق های بیشتر بودند زندگی نمایند. تا بدینطریق مصارف کرایه فی نفر را پائین آورند، اما اکثرأ این نوع تلاش محصلان در اثر نارضایتی همسایه ها بی نتیجه می‌ماند. زیرا همسایه مظر شئون اجتماعی نمی‌خواستند در اطراف آنها محصلان مجرد جا به جا شوند. استفاده از لیلیه و بدل اعاشه یک سیستم دوگانگی را به وجود آورد، زیرا مصارف هر محصل لیلیه تقریباً دو چند بدل اعاشه بود که به یک محصل اعطا می‌گردید. بنا بران پروژه ئی غرض ازبین بردن مشکلات دوگانگی اعاشه و اباته و مشکلات زندگی محصلان در کاروانسرای ها (که در حصه خود توأم به مشکلاتاجتماعی و اخلاقی بود) طرح گردید. طبق این پروژه در نظر گرفته شد تا لیلیه کاملاً از بین رفته و در عوض جمیع محصلان در هتل هائی که دارای اطاق های نسبتاً بزرگتر و بیشتر بودند، بود و باش نمایند. کرایه ماهانه هتل ها و اعاشه محصلان بین 2.000 الی 2.500 افغانی تثبیت گردید.به این ترتیب سیستم دوگانگی و نتایج آن از می‌رفت زیرا از یک طرف مصارف لیلیه برای همه محصلان مستحق مساوی بود و ازجانه دیگر این پروژه برای وزارت تحصیلات عالی نه تنها باعث مصارف اضافگی می‌شد، بلکه مشکلات اداری لیلیه هم ازبین می‌رفت. در ابتدا این پروژه از طرف وزارت تحصیلات عالی پذیرفته شد. اما در اثر تظاهرات محصلان و حمایه آن توسط زورمندان این پروژه ناکام شد.

د پانو شمیره: له 10 تر 15

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

معضل عمده یک تعداد محصلان جدیدالشمول کمبودمعلومات اساسی می باشد که برای ادامه مضامین پوهنخی های مربوطه ضروری اند. طوریکه تجربه در هرات نشان داده است، این محصلان در ابتدای تحصیل به سبب اینکه بعضی مضامین را تعقیب به مشکلات روانی دچار می شوند و حتی اتفاق افتاده است که در امتحانات سمستر های اول موفق اخذ نمرات قناعت بخش نایل نشوند. تلاش های نویسنده (در هنگام انجام وظیفه در پوهنتون هرات و بعضی رؤسای سایر پوهنتون های دولتی) غرض دایر شدن یک سمستر آمادگی برای چنین محصلان به موفقیت نه انجامید. دلایل عمده آن نبود مقرره لامه در قانون تحصیلات گذشته (و جدید که تاحال نافذ نشده است) و مشکلات مالی وزارت تحصیلات عالی می باشد.¹¹

2-1- موسسات تحصیلات خصوصی

(1) نظر به مقررات وزارت تحصیلات عالی یک موسسه تحصیلی وقتی اجازه فعالیت دارد که هر پوهنخی مربوطه نی آن دارای چهار استاد به درجه ماستری باشد و صرف وقتی می توانند به برنامه ماستری آغاز نمایند که پوهنخی یا دبیرانمنت دارای چهار استاد با درجه دکتورا باشند. موسسات تحصیلات عالی به دو دسته تقسیم می شوند: **پوهنتون ها و موسسات تحصیلات**: یک موسسه تحصیلی در هنگام تأسیس الی تکمیل معیارات تعیین شده نی وزارت تحصیلات عالی (داشتن تعمیر خودی مطابق به شرایط یک پوهنتون، تجهیزات و لوازم درسی و کتابخانه) تحت « موسسه تحصیلات عالی.....» و بعد از اتمام معیارات تحت عنوان « پوهنتون» فعالیت می کنند. توضیحات بعدی مربوطه به هر دو نوع موسسات تحصیلات عالی می باشد. آن موسسات **نام نهاد** عالی که بدون اجازه وزارت تحصیلات عالی اجرای فعالیت می کنند، در این مبحث رعایت نمی شوند.

موسسات تحصیلات عالی خصوصی برخلاف پوهنتون های دولتی گرایش به **مفاد** داشته و هدف اصلی را «اعظمی ساختن مفاد» و یا مفاد مناسب تشکیل میدهد. این موسسات از محصلان خود فیس تحصیلی اخذ می نمایند. هستند موسسات تحصیلی که استثناءً به محصلان مستعد بی بضاعت تخفیف قایل می گردند و یا از آن به کلی صرف نظر می کنند.

(2) **عوامل تولید در موسسات تحصیلات عالی** موسسات تحصیلات عالی خصوصی مانند پوهنتون های دولتی تابع قانون و لوايح تحصیلات عالی می باشند؛ اما به مقایسه پوهنتون های دولتی در قسمت ترکیب عوامل تولیدی و استفاده از آن آزادی کلی یا قسمی دارند و در تعبیه وسایل تولید از اصل آزادی پوهنتونی استفاده می نمایند. قسمت اعظم محصلان موسسات تحصیلات خصوصی محصلانی می باشند که در کانکور وزارت تحصیلات بی نتیجه مانده اند و یا موفق به اخذ نمبر معیاری رشته نی مطلوبه خویش نشده اند. موسسات تحصیلات عالی محصلان خویشرا بعد از اخذ امتحان کانکور جداگانه انتخاب می نمایند. در این اواخر یک فیصدی معینی محصلان موفق کانکور از طرف وزارت تحصیلات عالی به این موسسات عالی هم معرفی می شوند که ضرورت به گذشتاندن اخذ امتحان کانکور خاص موسسه تحصیلات عالی خصوصی ندارند.

از تکرار مطالبی در باره عوامل تولید اصلی (مواد کار، وسایل کار و قوای بشری) که قبلاً به ارتباط پوهنتون های دولتی توضیح شد، صرف نظر می شود. اما درباره ارگان های تصمیم گیری این موسسات توضیح بعضی مطالب ضروری می باشد.

دو ارگان اصلی تصمیم گیری در این موسسات وجود دارد که عبارت اند از هیأت مدیره و هیأت عامل یا اجراییه. بعضی موسسات عالی موازی به هیأت مدیره دارای یک هیأت دیگر بنام هیأت اُمناء و یا هیأت مشورتی (Kuratorium, board of trustees). هم می باشند.

¹¹ در سال گذشته یک اقدام جمعیت پوهنتون های آلمانی و افغانی (Deutsch-Afghanische Universität-Gesellschaft (e.V. مبنی بر دایر کردن چنین کورس آمادگی در پوهنخی ژورنالیزم پوهنتون کابل، به دلیل اینکه سمتس آمادگی خلاف لایحه سیستم کربدیت می باشد، به ناکامی انجامید.

شکل حقوقی موسسه تحصیلات عالی (از نگاه حقوق تجارت، مثلاً شرکت سهامی، محدودالمسئولیت، تضامنی خالص، تضامنی مختلط) طوریکه از عنوان رسمی آنها برداشت می شود، واضح نیست، اما نظر به اینکه آیا موسسه توسط یک و یا چند سرمایه گذار تأسیس شده است، می توان استنباط کرد که موسسه دارای شکل شرکت تضامنی خالص و یا تصدی فردی باشد که سرمایه آن از طرف یک تعداد محدود شرکا (شرکت تضامنی) و یا یک فرد متقبل شده است. هرگاه همه شرکا با سرمایه تعهد شده و دارائی شخصی خویش مسئولیت را در برابر داینین و اشخاص ثالث تصدی متقبل شوند، از تضامنی خالص و اگر یک قسمت شرکا تنها به اندازه سرمایه تعهد شده، مسئولیت تصدی را به عهده گیرند، از تضامنی مختلط صحبت می شود. تعیین شکل حقوقی از نگاه حقوق تجارت برای غرض تأمین حقوق داینین و سایر علاقمندان در حالت اضافه قرضداری و افلاس موسسه تحصیلی خصوصی ضروری می باشد. موسسات تحصیلات عالی برای حمایه حقوق محصلان، موسسه تحصیلی خصوصی را قبل از آغاز فعالیت و ادار می سازد تا نظر به تعداد محصلان یک ذخیره نقدی به یک بانک به حیث امانت تحویل دهند و یا معادل یک جدید را طور ضمانت ارائه نمایند که موسسه مورد نظر صلاحیت برداشت و یا فروش آنرا ندارد و باین طریق فیس تأدیه شده محصلان توسط ذخیره و جایداد متذکره کاملاً تأمین شده است. اما درباره چگونگی تأمین حقوق سایر داینین معلوماتی در دست نیست.

موضوعی که به ارتباط ملکیت (سرمایه گذاری) دارای اهمیت می باشد، عبارت از اهمیت سرمایه گذار (ها) بالای روند تصمیم گیری تصدی است. در تصدی فردی (یگانه سرمایه گذار) مالک تصدی (سرمایه گذار) به تنهایی در باره مسایل ستراتیژیکی و عملیاتی موسسه تحصیلی تصمیم می گیرد و برای اجرا و تطبیق تصمیم خود معاونین و یا دستیارانی به حیث مامورین توظیف می کنند. در بعضی موسسات خصوصی، سرمایه گذار (گذاران) هیأت مدیره را انتصاب کرده مسئولیت امور اداری ستراتیژیکی را هم به آن تفویض می نماید. این هیأت از بین خود مدیر یا مدیران اجرایی را تعیین میدارند و به این طریق وظیفه اجرایی و عملیاتی را به شخصی دیگر خارج از هیأت مدیره تفویض می کند. به هر صورت مالک یا مالکین سرمایه در تصمیم ستراتیژی و عملیاتی به صورت مستقیم دیدخل بوده در تأسیس و انحلال، پیشرفت و انقراض آن دارای صلاحیت عام و تام می باشند.

به صورت عموم صاحب یا صاحبان سرمایه در قدم اول به مفاد و افزایش آن که هدف اولی اقتصادی بوده و تداوم فعالیت تصدی را در مدت دراز تضمین و تأمین می کند، علاقه دارند. هدف بعدی را کیفیت تحصیلی تشکیل می دهد. به اساس احصائیه سال 1393 تعداد موسسات تحصیلات خصوصی در سرتاسر کشور به 70 میرسد. به این طریق (خاصاً در کابل) یک رقابت شدید برای جذب و ازدیاد محصلان در بین موسسات تحصیلات عالی وجود دارد. مخصوصاً برای موسسات جوان و نو تأسیس. تعداد بیشتر محصلان غرض جبران مصارف دورانی (که قسمت اعظم آنرا پاداش استادان مدرس ذیصلاح، حد اقل بدرجه ماستری و و کرایه تعمیرات (حق الزحمه یک استاد ماهانه بین 500 الی 1500 افغانی و کرایه ماهانه بین 13.000 الی 20.000 دالر) ضروری می باشد. فیصد ناکامی مخصوصاً در موسسات نو تأسیس یک حالت استثنائی را تشکیل میدهد، زیرا اغلب محصلان صرف به منظور کسب درجه لیسانس در موسسه تحصیلی نامنویسی می کنند، تعداد محصلانی که به غرض ارتقای معلومات به موسسه تحصیلی ثبت نام می نمایند، در اقلیت (به اساس تجربه شخصی حد اکثر ده فیصد). قرار دارند. اما خوشبختانه موسسات تحصیلی هم وجود دارند که از شهرت خوب برخوردار بوده و به ارتقای کیفیت درسی اهمیت زیاد قایل اند¹²

موسسات عالی خصوصی به صورت عموم تابع قانون و لوائح وزارت تحصیلات عالی بوده؛ اما در تصمیم اداری (تشکیلات، پلان گذاری، کنترول و مراقبت) و علمی خویش به مقایسه پوهنتون های دولتی، دارای آزادی بیشتر می باشند. انگیزه اقتصادی و رقابت آزاد آنها را وادار می سازد تا به مرور زمان از استادان مجرب و با تعلیمات عالی (حتی استادان خارجی) بلندتر استفاده نمایند و کیفیت درسی را ارتقا دهند. به اساس

¹² نویسنده در یکی از موسسات خصوصی در کابل درنشتی که به مناسبت تقدیر از محصلان ممتاز دایر شده بود و در آن محصلان و اولیای شان اشتراک داشتند نیز حضور داشت، رئیس موسسه تحصی خصوصی به اهمیت ارتقای سویه محصلان جداً تأکید کرده محصلان را متوجه تعقیب وظایف درسی شان نمود و به ایشان خطاب نمود که باید در صورت نبود لیاقت به ناکامی حساب نمایند و امیدوار کننده جلوه می کرد.

معلومات دست داشته برنامه ماستری در حال حاضر به پوهنتون های خصوصی ذیل جریان دارد و یا در آینده در نظر گرفته شده است.

● - **افغان امریکا، برنامه ماستری MBA**

● - **باختر، برنامه ماستری MBA**

● - **کاردان، برنامه های ماستری MBA, MIT**

● - **کاتب: برنامه های ماستری: روابط بین المللی، جزا و جرم شناسی، اقتصاد توسعه، علوم اقتصادی، جامعه شناسی**

● - **دنیا، ماستری MBA در طی مراحل**

● **سلام، دوره ماستری فقه و قانون در حال تأسیس.**

طبق مقررات ماستری وزارت تحصیلات خصوصی مانند پوهنتون های دولتی مکلفند تا برای هر رشته تحصیلی برنامه ئی ماستری دارای چهارمدرس به درجه دوکتری (متخصص رشته) داشته باشند. باساز معلومات دسته داشته این مقررات در موسسات تحصیلی متذکره رعایت شده است که در بعضی آن متخصصین خارجی و در بعضی آن متخصصین افغانی و در بعضی متخصصین افغانی و خارجی مشغول تدریس می باشند. برای احراز درجه ماستری تکمیل 36 کریدت در چهار سمستر (هرسال دوسمستر) الزامی است که از آن جمله 6 کریدت آن برای کار ماستری یا پایان نامه ماستری در نظر گرفته شده است. در همه موسسات تحصیلات خصوصی ساعات درسی مضامین ماستری بعد از عصر دایر می شود. در باره نوعیت و کیفیت درسی این موسسات به اساس نبود معلومات نه می توان قضاوت کرد، اما تخمین می شود که کنترل و مراقبت کیفیت درسی از هرنگاه (استاد، وسایل درسی، طرز امتحان و ارزیابی کاندیدان) به مقایسه پوهنتون های دولتی آفاقی تر و موثر تر می باشد. اما این که آیا دوساعت تثبیت شده در روز و در هفته پنج روز برای کیفیت تدریس، کیفیت علمی کنفرانس ها، کار های خانگی و کار ماستری کفایت می کند و کاندیدان وقت کافی غرض توسعه معلومات ماستری که مطابق به به معیارات بین المللی می باشد، کافی است، سوال اساسی است که نویسنده به آن جواب قانع کننده ارائه کرده نمی تواند¹³

هیأت اجرائیه موسسات تحصیلات عالی خصوصی در مسایل پوهنتونی و علمی دارای صلاحیت عام و تام بوده و صرف در برابر هیأت مدیره و مالک یا مالکین سرمایه جوابده می باشند. مراجع و اشخاص خارج از موسسه تحصیلی بالای تصمیم گیری آن نقش اساسی ندارد. اخذ کانتور کاملاً به صلاحیت موسسه تحصیلی بوده و تقسیم رشته به خواش محصل به عمل آید. هم چنین در سازماندهی موسسه تحصیلی در چوکات مقررات وزارت تحصیلی آزادی کامل وجود دارد. به این طریق موسسه تحصیلی در پلان گذاری تشکیل ورشته تحصیلی و دیپارتمنت مربوطه مستقلانه عمل می نماید. سهم تصمیم گیری غیر رسمی ناچیز بوده موثر نمی باشد.

(3) **محصلان به حیث مشتریان**

در موسسات خصوصی که هدف اساسی آن کسب مفاد می باشد، محصلان به حیث مشتری تعریف می شود. معمولاً به اساس نظریات جدید بازار یابی، تصدی های اقتصادی یا گرایش به بازار دارند و یا مشتری گرا می باشد از بازار گرا وقتی صحبت می شود که تصدی بکوشد سهم عرضه محصولات خود را در بازار در برابر تصدی هم رشته ئی رقیب توسعه دهند. در حالی که در حالت مشتری گرا، تصدی می کوشد تا با نظر داشت خواهشات، سلوک، عاید، شرایط اجتماعی، پرستیژ و فاداری مشتری محصولات و خدمات جدیدی را غرض توسعه سهم بازار خود عرضه دارد.¹⁴

¹³ در ساحه بین المللی کاندیدان ماستری به وقت کافی برای مطالعه آثار مضامین ماستری، کارخانگی، سمینار و کار ماستری ضرورت دارند. حتی در بعضی ممالک مخصوصاً آلمان کاندید ماستر باید دوسمستر آمادگی را برای ماستری سپری نمایند. مزید بر آن تدریس مضامین و سایر فعالیت های لازمه به لسان انگلیسی می باشد.

ر ک به کتب ذیل¹⁴

مؤسسات تحصیلی خصوصی افغانی بیشتر بازار گرا بوده محصلان نظر به ذوق و سلیقه خویش به آن خصوصی مراجعه می کنند که رشته مورد نظر را عرضه میدارد. برای محصلانی که هدف شان صرف بدست آوردن سند لیسانس (BA) بوده و آنرا به حیث وسیله استخدام و ارتقای وظیفه تلقی می نماید، علاقمندی به آن موسسه خصوصی دارد که حصول سند تحصیلی زحمت افزا نبوده و امکان کامیابی در آن بیشتر می باشد. قابل یاد آوری است که محصلانی هم وجود دارد که تمایل به آن مؤسسات تحصیلی خصوصی دارند که دارای کیفیت بلند درسی بود و از شهرت خوب بر خوادار می باشند.

ب - نتیجه گیری

1 - نخست از همه باید یاد آور شد که این مقاله صرف جنبه تحقیقی و اصلاحی داشته متوجه یک شخص و یا گروه اشخاص خاص نمی باشد. یگانه هدف نویسنده ارتقای ظرفیت علمی مؤسسات تحصیلات افغانستان می باشد. امیدوارم روزی جایگاه مؤسسات تحصیلی کشور به مقامی برسد که پوهنتون کابل و بعداً پوهنتون ننگرهار پیش از کوندای 7 ثور 1357 نه تنها در کشور بلکه در ممالک همسایه داشت. فارغ التحصیلان این موسسه تحصیلی تا حال به سند فراغت خویش می بالند و از زحمات و کفایت علمی استادان خویش به نیکوئی یاد آوری می کنند. من هم به حیث یکی از استادان این دوره افتخار تدریس را در پوهنخی اقتصاد داشتم. درجه علمی پوهندوئی را که در آن زمان کسب کرده ام، آنقدر نردم پر ارزش و دارای اعتبار علمی می باشد، که نخواستم آنرا در هنگام اجرای وظیفه مجدد در پوهنتون های کابل و هرات (2003 الی 2010) باوجود تکمیل شرایط علمی و تحریر آثار علمی متعدد، با درجه پوهنوالی و پوهاندی تبادل نمایم.

2 - خوش بختانه بعد از سقوط طالبان تعداد فارغین مکاتب رو به افزایش نهاده موازی به آن تأسیس پوهنتون های دولتی و خصوصی در حال افزایش است. تعداد زیادی استادان در خارج از کشور موفق به اخذ درجه های ماستری و دکتورا شده و بامتون جدید درسی شروع به تدریس نموده اند. با وجود این انکشاف مثبت، اکثر پوهنتون و پوهنخی های جدید التاسیس به قلت استاد با تجربه درسی مواجه بوده و از اسبستانت های جوان که جدیداً فارغ التحصیل شده اند، به حیث استاد مدرس استفاده می کنند. این وضعیت باعث می شود که محصلان پوهنتون ها به سوبه های متفاوت فارغ التحصیل گردند و در ساحه کار عملی به مشکلات روبرو شوند. مزید بر آن تفاوت کیفیت درسی باعث ازدیاد تبدیلی محصلان می گردد. خطر پائین آمدن کیفیت درسی هم در اثر مصروفیت استادان (که به لسان انگلیسی مهارت دارند) به دفاتر خارجی و یا مصروفیت استادان به مؤسسات تحصیلی خصوصی وجود دارد. گرچه وزارت تحصیلات عالی مقررات جدیدی برای استادانی که در مؤسسات خارجی مصروفیت دارند و وضع نموده است، اما در عمل از آن عدول می شود. نظر به مقررات متذکره استادان پوهنتون های دولتی صرف قبل از (ساعت 8 و یا 9 صبح و بعد از ختم (ساعت 5 یا 4 عصر) اوقات رسمی پوهنتون دولتی اجازه تدریس در مؤسسات تحصیلی خصوصی دارند. این مقرر هم از طرف بعضی استادان نادیده گرفته شده حتی به مجرد ختم درسی پوهنخی مربوطه را ترک کرده به وظایف غیر رسمی ادامه می دهند. به این طریق در انجام وظیفه ئی متداوم استاد که عبارت از انجام کار های تحقیقی و واری مسایل سیستم کریدت، مانند دایر کردن کورس های تکمیلی برای محصلان کریدت خورده، واری کنفرانس ها و مونوگراف ها می باشد، سهم انگاری به وجود می آید. مصروفیت اضافی استاد بالای تهیه درس و نوت های درسی هم بالای کیفیت درسی بی تأثیر مانده نمی تواند.

از سال 1381 به بعد در تجهیزات لابراتوار های بعضی پوهنخی های افغانستان در اثر انجام کمک های تخنیکی و یا تهیه از بودجه وزارت تحصیلات تکمیل شده اند و یک تعداد زیاد کتب علمی و مسلکی چه به شکل بخشش و چه به شکل خریداری برای استفاده استادان و محصلان به کتابخانه های مربوطه دولتی داده شده است. مزید بر آن یک تعداد زیاد آثار علمی استادان توسطه مؤسسات کمکی و ریاست نشرات وزارت تحصیلات عالی به نشر رسیده و بدسترسی محصلان قرار گرفته است. اما بدون مداوم. زیرا تهیه مسلسل کتب و سایل جدید در اثر مشکلات بودجه وزارت تحصیلات به ندرت به عمل آمده است.

خوشبختانه یک تعداد استادان و محصلان در صورت موجودیت امکانات شرایط تخنیکی معلومات مکمل و ممد تدریسی از طریق انترنیت بدست می آورند. اما یک تعداد زیاد استادان و محصلان نظر به نبود شرایط تخنیکی از این وسیله ارتباطی محروم می باشند.

بنابراین محصلان دولتی کشور عزیز به مقایسه محصلان بعضی مؤسسات خصوصی و محصلان یونیورستی هائی خارجی در حالت نامساعد قرار دارند و در هنگام ادامه تحصیلات در نیورستی های خارجی غرض کسب

درجه ماستری مکلف اند، کاستی های دوره لیسانس (BA) با اخذ کورس های اضافی و یا آمادگی قبل از آغاز دوره ماستری و یا به صورت انفرادی از طریق مطالعات، رفع نمایند.

3- فراهم آوری امکانات ماستری در پوهنتون های دولتی و خصوصی یک امر قابل تمجید و تشویق است. زیرا برای جمع جوانانی که خواهان ادامه تحصیلات بالاتر از لیسانس بوده و دارای استعداد کافی برای تکمیل این مامول می باشند، اما نظر به دلایل مختلف (مخصوصاً طبقه اناث) تحصیلات را در خارج ادامه داده نمی توانند، فراهم آوری شرایط ماستری یک گام مثبت و مهم به راه راست می باشد. اما از نگاه نظری صرف به نکات مثبت آن اکتفا و پافشاری نکرده بلکه شرایط برنامه ماستری باید از هرنگاه مطابق به ستندرد بین المللی خاصاً ممالک همسایه برآورده شود که عبارتند از:

- مطابقت نصاب درسی (از نگاه کیفی و کمی) برنامه ئی ماستری به ستندرد بین المللی،
- مطابقت رشته پیشنهاد شده ئی ماستری با مضامین پیش بینی شده نصاب درسی ،
- توظیف استادان با کفایت که در رشته مضامین ماستری تخصص و دوره ماستری را در هنگام تحصیل ادامه دده باشند،
- وزارت تحصیلات غرض برآوردن شرایط ماستری باید ماستری شبانه را به روزانه تبدیل و بعد از اینکه این برنامه به ستندرد بین المللی عیار شد، موضوع ماستری شبانه مطابق معیارات بین المللی برنامه ریزی شود،
- رعایت معیارات آفاقی برای انتخاب کاندیدان ماستری. به عبارت دیگر رجحان اصل ضوابط بر اصل وابط،
- سرمایه گذاری مسقیم عواید فیس ماستری برای تقویه برنامه ماستری (وسایل تدریسی و تحقیقی).
- دایر نمودن دوره ئی آمادگی اقلأ یک سمستر به عوض اخذ کانکور؛ باید کسانی به برنامه ماستری شامل شوند که امتحان دوره ئی آمادگی را موفقانه سپری نمایند.

با رعایت این شرایط از یک طرف از تورم درجات بی کیفیت علمی (درجه های «ماشینی»)¹⁵ در کشور عزیز جلوگیری می شود و از جانب دیگر زمینه تشنج و کشیدگی بیجا و بی عدالتی بین ماستر های که در خارج و یا داخل کشور به اساس ستندرد بین المللی و باکسب معلومات وسیعتر علمی موفق به اخذ درجه ماستری شده اند و بین ماستر های «ماشینی»، فراهم نمی گردد. مزید برآن اسپستانت های پوهنخی های نو تأسیس با استفاده از درجه ئی ماستری با کیفیت در داخل کشور وظایف تدریس را (به حیث مدرس) به وجه احسن و موفقانه انجام داده می توانند.

4- معینیت محترم محصلان ، ریاست محترم تضمین کیفیتی و ریاست محترم انسجام وزارت محترم تحصیلات عالی باید در قسمت تضمین ظرفیتی برنامه های ماستری افغانستان مطابق به معیارات بین المللی توجه جدی به خرج داده و از طریق بررسی های جدی اهداف و معیارات برنامه های ماستری موجوده کشور عزیز را همه جانبه مورد مراقبت قرار دهند و اجازه ندهند که شرایط ناگوار امنیتی، سیاسی و اجتماعی اهداف والای تحصیلات عالی طور منفی تحت تأثیر قرار گیرد که جبران ناپذیر می باشد. من الله التوفیق

¹⁵ طوریکه در ممالک کمونستی سابقه از نگاه سیاسی و ایدولوژی به اشخاص و مطلوب ممالک روبانگشاف اعطا می شد.